



معنا و مفهوم بی ارزشی دنیا از منظر دین / نگاه امام علی(ع) به ارزش دنیا و رعایت حق

نظر دین درباره بی ارزش بودن دنیا به معنی بی ارزشی مقایسه ای است، یعنی دنیا ارزش ندارد که ما به خاطر آن اصول اخلاقی و اجتماعی و معنی انسانیت و بزرگواری را از دست بدهیم.

نظر دین درباره بی ارزش بودن دنیا به معنی بی ارزشی مقایسه ای است، یعنی دنیا ارزش ندارد که ما به خاطر آن اصول اخلاقی و اجتماعی و معنی انسانیت و بزرگواری را از دست بدهیم. به گزارش خبرگزاری مهر، از مجموع مقرراتی که اسلام در باب خیانتها و مظالم افراد درباره یکدیگر و درباره عدل و ظلم و وظایف حاکم و درباره قضاوت و وظایف قاضی و دشواری وظیفه قاضی و درباره شاهد و در موارد دیگر دارد، معلوم می شود که از نظر این دین چه اندازه حقوق مردم نسبت به یکدیگر محترم و واجب الرعایه است.

اینجا سوالی در ذهنها پیدا می شود که چطور می شود در اسلام اینقدر حقوق محترم باشد و حال آنکه منطق اسلام همان طوری که معلوم است بر اساس تحقیر دنیا و متاع دنیا است. حقوق مردم بر یکدیگر مربوط به شئون زندگی همین دنیا است، مثلاً مربوط به این است که کسی مال دیگری را نبرد و نخورد و اگر چیزی از نظر کسی بی قیمت باشد اموری هم که از توابع اوست بی قیمت خواهد بود. پس وقتی که خود دنیا و زندگی دنیا از نظر اسلام بی ارزش و بی احترام است، باید حقوقی هم که مربوط به این زندگی بی ارزش است ارزش و احترام نداشته باشد.

پاسخ این است که اولاً بی ارزش بودن دنیا در نظر دین باید روشن شود که به چه معنی است. ابهام این مطالب منشا خیلی شبهه ها و سوالات از این قبیل می شود. ارزش داشتن و نداشتن یک چیز اگر از نظر خود آن چیز ملاحظه شود همه چیز با ارزش است؛ یعنی هر چیزی خودش برای خودش با ارزش است، زیرا هر چیزی مرتبه ای از هستی است و هستی یک چیز برای خود آن چیز عین ارزش است و به تعبیر فلاسفه وجود مساوی با خیر است. اما اگر یک چیز را نه از نظر خود آن چیز بلکه از نظر رابطه اش با چیز دیگر و از نظر تأثیرش در یک هستی دیگر در نظر بگیریم، اینجاست که ممکن است چیزی نسبت به چیزی بی ارزش باشد، تأثیری در سود و زیان او نداشته باشد و ممکن است تأثیر منفی یا مثبت داشته باشد. اگر تأثیر مثبت داشته باشد، می گوئیم این چیز برای آن چیز دیگر با ارزش است.

این نوع ارزش که ارزش نسبی است، یعنی ارزش چیزی برای چیزی است، باز دو گونه است؛ یک وقت ارزش آن شیء به تنهایی در نظر گرفته می شود. مثلاً، می گوئیم پول برای انسان با ارزش است و یک وقت ارزش آن شیء برای یک شیء در مقایسه با ارزش یک شیء سوم در نظر گرفته می شود، مثلاً ارزش پول برای انسان در مقایسه با ارزش سلامت یا علم یا اخلاق برای انسان چه ارزشی است؟

اکنون می گوئیم ارزش یک مشت ریگ از نظر یک نفر انسان هیچ نیست، زیرا بود و نبود او تأثیری به حال او ندارد. البته چنین چیز بی ارزشی حقی هم که به او تعلق دارد بی ارزش است. اما پول برای انسان با ارزش است چون می تواند مفید به حال انسان واقع شود و کارگشای او گردد. اما همین پول در مقایسه با سلامت یا شرافت و مناعت ارزش خود را از دست می دهد و شیئی بی ارزش می شود، نه کم ارزش بلکه بی ارزش. یعنی چنین نیست که مبلغ پول اگر زیاد باشد، با شرافت ولو جزئی باشد، قابل مقایسه باشد.

بنابراین اگر کسی پول را دوست داشته باشد و از طرف دیگر همین شخص طبعی منیع و نفسی کریم داشته باشد، چنین شخصی تا آنجا در پی تحصیل پول می رود که شرافت و حیثیت و آبرویش محفوظ بماند، اما همین که پای لطمه خوردن به شرافت و مناعت به میان آمد از پول می گذرد. چه کم باشد چه زیاد. تمام ثروت دنیا را هم که به او بدهند حاضر نیست به بهای شرافت و کرامت نفس بپذیرد. در نظر این شخص پول یا مقام ارزش دارد اما نه در برابر آبرو و حیثیت و شرف. در این مقام بکلی ارزش خود را از دست می دهد، نه اینکه کمش برابری نمی کند ولی زیادش برابری می کند. نه حتی زیاد آن با کم این هم برابری نمی کند.

حضرت علی(ع) حالت خودش و روحیه خودش را این طور شرح می دهد: به خدا قسم اگر تمام آنچه در زیر قبه آسمان است به من بدهند برای اینکه به یک مورچه ظلم کنم و به اینکه پوست جویی را از او بگیرم، نمی کنم.

حضرت علی(ع) در این جمله خود، ارزش دنیا و ملک دنیا را پایین نیآورده، ارزش حق و عدالت را بالا برده است. نمی خواهد بگوید دنیا و آنچه در زیر آسمان است چون خیلی بی قیمت است من آن را در ازای یک عمل کوچک که ظلم به مورچه است نمی خواهم، بلکه می خواهد بفرماید که ظلم اینقدر بزرگ است که تمام ملک دنیا با کوچکترین نوع ظلم که ظلم به مورچه است به گرفتن پوست جوی از دهانش برابری نمی کند.

سعدی در همین مضمون می گوید؛ دنیا نیززد آنکه پریشان کنی دلی / ز نهار بد مکن که نکرده است عاقلی . سعدی هم نمی خواهد

بگوید که دنیا اینقدر کم ارزش است که به پریشان کردن دل که چیز کوچکی است نمی ارزد، می خواهد بگوید پریشان کردن دل آنقدر مهم است که به بهای تمام دنیا هم نباید قبول کرد. این، معنی بی ارزشی مقایسه ای است.

در نتیجه دنیا که از نظر دین بی ارزش است به معنی بی ارزشی مقایسه ای است. یعنی دنیا ارزش ندارد که ما به خاطر آن اصول اخلاقی و اجتماعی و معنی انسانیت و بزرگواری را از دست بدهیم، به خاطر منافع دنیوی و مادی دروغ بگوییم، خیانت کنیم، پیمان شکنی کنیم، ظلم کنیم، حقوق دیگران را پایمال کنیم، ارزش ندارد که به خاطر مطامع و منافع دنیا دلها را پریشان کنیم یا حتی حق مورچه ای را پایمال کنیم.